

۱۳۷۲۹۰۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسرائیل در ناتو

یا

ناتو در اسرائیل

مؤلف:

غلامرضا خادمی



مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

تهران - ۱۳۹۴

سرشناسه	: خادمی، غلامرضا.
عنوان و نام پدیدآور	: اسرائیل در ناتو یا ناتو در اسرائیل / نویسنده غلامرضا خادمی؛ ویراستار طاهر زارع زواردهی
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	: ۱۷۶ص
شابک	: ۱۰۰/۰۰۰: ریال: 978-600-5437-59-1
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۷۰] - ۱۷۶.
موضوع	: ناتو، پیمان
موضوع	: سیاست نظامی - اسرائیل
موضوع	: اسرائیل - سیاست و حکومت
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۴ الف ۲ ۶۴۶/۳ UA
رده‌بندی دیویی	: ۳۵۵/۰۳۱۰۹۱۰۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۱۰۰۲۶

www.asnoor.ir
Email: info@asnoor.ir

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور



نام کتاب: اسرائیل در ناتو یا ناتو در اسرائیل

نویسنده: غلامرضا خادمی

ویراستار: طاهره زارع زواردهی

تایپ و صفحه‌آرایی: مرضیه روشن‌روان گیلوانی

طراح جلد: جواد حسین‌خانی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰/۰۰۰ ریال

کلیه حقوق این کتاب متعلق به مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور است.

سخن ناشر

آنچه پیش از دو دهه اخیر سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را در صدر مباحثات سیاست و دالام قرار داده است، مجموعه تعاملات و مداخلات اتحاد در خارج از قلمرو آن و ویژه در شرق اسلامی به بهانه‌های گوناگون مانند مبارزه با تروریسم و حمایت از حقوق بشر در ستانه در چارچوب تأمین امنیت و ثبات منطقه اروپا - آتلانتیک بوده است. در شرایط کنونی یکی از این تعاملات که بیشتر مبتلا به جامعه روزنامه‌نگاری و رسانه‌ای و اخلاقی برخی محافظل سیاسی و نظامی خاص است، چشم‌انداز روابط ناتو با چین در ریزیستی است. رژیم اشغالگری که منافع حیاتی خود را در منابع بی‌ثباتی می‌بیند، با توجه به این مهم بی‌درنگ این پرسش در ذهن هر پژوهشگر و صاحب‌نظری نقش بی‌سود که چگونه ممکن است سازمانی که مأموریت اصلی آن تأمین امنیت و ثبات است، سود را درگیر همکاری با یکی از ریشه‌های بی‌ثباتی در یکی از مهم‌ترین مناطق راه‌ر در جهان کند؛ چه رسد به اینکه برخی سیاست‌مداران از رده خارج‌شده در دست‌های غیررسمی سیاسی و تبلیغات صهیونیستی در پرده رایج‌شده در جبهه‌های اصلی در ابعاد نرم‌افزاری رسانه‌ای، زبان ناز در بیان نیاز عضویت احتمالی آتی این رژیم در ناتو باز کنند؟ طرح چنین مباحثی ضرورتی به وجود آورد تا در چارچوب یک پژوهش، درجه درستی یا نادرستی مسأله مذکور بررسی شود. البته بسته به نتیجه

ارزیابی از کامیابی تا ناکامی در درجه همکاری ناتو با رژیم صهیونیستی، از گفت‌وگو گرفته تا عضویت احتمالی آتی این رژیم در ناتو، تأثیرگذاری آن بر عوامل عمده ذی‌نفع در شرق اسلامی به ویژه اعضای جبهه مقاومت، به عنوان متحدان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، متفاوت خواهد بود. بدین ترتیب و براساس ضرورت دشمن‌شناسی جامع و مانع در نوشته پیش روی تلاش شده است به خواننده در حل و یافتن پاسخ برای این مسأله کمک شود.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	سخن سر
۹	مقدمه
۱۵	فصل اول: اتحاد افسران و تمار
۲۷	فصل دوم: ناتو از پیدایش تا دسترس
۵۳	فصل سوم: سیاست خارج از قلمرو ناتو
۷۳	فصل چهارم: آغاز به کار ناتو در شرق اسلام
۸۹	فصل پنجم: تداوم به کار ناتو در شرق رسمی
۱۰۳	فصل ششم: گسترش همکاری ناتو با اسرائیل
۱۲۵	فصل هفتم: ناتو، اسرائیل و جبهه مقاومت
۱۴۳	پیوست‌ها
۱۷۱	منابع و مأخذ

مقدمه

اگر در دوران جنگ سرد اندیشیدن به موضوع گسترش ناتو به شرق ممکن نبود، به مراتب سخن گفتن از رویداد امتداد کش و واکنش های ناتو به شرق اسلامی در چارچوب راهبردی همکاری با کشورهای اسلامی با هدف در پناه گیری رژیم صهیونیست به عنوان اشغالگر سرزمین های اسلامی دور از ذهن بود. با وجود این با پایان دوران نادر و توازن نظام دوقطبی حاکم بر روابط بین الملل هر دو مورد در دستور کار حزب بجام مانده از جنگ سرد قرار گرفت؛ با این ادعا که برتری رهبری فطرت ربی بر ایند فرایند وضعی طبیعی است، بی توجه به اینکه همیشه به طور الزامی ناکارایی یکی نشان دهنده کارایی دیگری نیست.

در هر صورت در سایه عدم تعادل ناشی از پایان عصر جنگ سرد، نه فقط سیاستمداران بلکه اندیشمندان درباره پایان تاریخ یا برخورد نهایی با نتیجه مشابه مسلم پنداشتن استیلای اصول، ارزش ها و نهادهای غربی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی غربی نظریه پردازی کردند و بیشتر در این هیاهو به جای پرسش و سنجش به پذیرش و کرنش روی آوردند. در چنین شرایطی نه فقط گسترش ناتو به شرق برگشتناپذیر و بی بدیل شد، بلکه نفوذ و ورود ناتو به حوزه جهان اسلام با مداخله در جنگ بوسنی و هرزگوین در قالب مدیریت بحران و حفظ صلح، مداخله در کوزوو در چارچوب مسئولیت

حمایت، مداخله در افغانستان با هدف مبارزه با تروریسم و سرانجام مداخله در لیبی برای دگرگونی رژیم امکان‌پذیر و به عبارتی تحمیل شد.

شکفت اینکه رژیم صهیونیستی اسرائیل که از ستایش و حمایت بی‌چون و چرای غرب برخوردار است، از هرگونه ابتکار و اقدام در این چارچوب برای تحدید و تضعیف شرق اسلامی، با فراغ بال استقبال می‌کند. بر همین اساس گزیده گسترش همکاری اسرائیل با ناتو حتی در قالب عضویت احتمالی آتی اسرائیل در ناتو قابل ارزیابی است؛ زیرا به طور خودکار اعضای جبهه مقاومت را که به دنبال مبارزه با اشغالگری اسرائیل از حملات بی‌محابای غرب بی‌سابقه بودند، به انحای مختلف متأثر می‌کند.

البته با اتخاذ رویکردی دوراندیشانه می‌توان گفت عمل و عکس‌العمل‌های اسرائیل و حامیان آن نشان از موقعیت بسیار دشوار و لرزان اشغالگران صهیونیست در گسترش شرق اسلامی دارد. بنابراین، اهمیت بررسی هرگونه گسترش همکاری و حتی عضویت احتمالی آتی اسرائیل برای تقویت موقعیت متزلزل خود در شرق اسلامی در صورت تأیید امکان‌پذیری، توجیه‌کننده تداوم بحث آثار یا ضررهای آن نسبت به جبهه مقاومت خواهد بود. بر این اساس تلاش شده پژوهش به علی‌گویی تجهیز به ابزار کلی‌گویی پرهیز شود.

با در نظر گرفتن این مهم، در پاسخ به این پرسش که آیا گسترش همکاری ناتو با اسرائیل تا مرحله نهایی عضویت احتمالی آتی امکان‌پذیر است و متعاقب آن جبهه مقاومت از آن تأثیر می‌گیرد، فرضیه پژوهش مطرح می‌شود و مورد سنجش قرار می‌گیرد. در صورتی که فرضیه با این واقعیت روبه‌رو شود که گسترش همکاری ناتو با اسرائیل تا عضویت احتمالی آتی اسرائیل در اتحاد آتلانتیک امکان‌پذیر نیست، بالطبع سخن از بررسی تأثیر آن بر جبهه مقاومت خردمندانه نخواهد بود. با وجود این، از زاویه سناریوسازی و صرف پیش‌بینی،

ارزبابی تأثیرگذاری عضویت احتمالی آتی اسرائیل در ناتو بر جبهه مقاومت خلاف تدبیر نیست.

با این توضیحات فرایند پاسخ به پرسش و فرضیه پژوهش در محدوده ضوابط و شرایط متعارف اتحاد و اتحادسازی و کارآمدگرایی پیش می‌رود.

بر این اساس خواننده خواهد دانست که پیامد گسترش همکاری اسرائیل با ناتو حتی با فرض عضویت احتمالی آتی آن در اتحاد، آثار مطلق منفی یا مطلق مثبتی بر تمام اطراف ائتلاف یا اختلاف نخواهد داشت. علاوه بر این نمی‌توان انکار کرد کنش‌های معین نامطلوب در هر حال واکنش‌های نامعین مطلوب به دنبال دارد با تأکید بر این نکته، هر نکته درباره پیامد گسترش همکاری اسرائیل با ناتو حتی با فرض عضویت احتمالی آن در اتحاد، مفهومی نوین می‌یابد. علاوه بر این، ادعیه تهدیدکننده اصلی و فوری جبهه مقاومت در شرایط قبل و بعد از گسترش همکاری ناتو و اسرائیل است، عملیات خارج از قلمرو اعضا و سرکن ناتو است که با بهره‌برداری فرصت‌طلبانه از رویدادهای آتی و آتی شرق اسلامی جامه عمل می‌پوشد و در نهایت هدف نهان ولی عیان آن خشکاندن ریشه‌های منطقه‌ای مقاومت و گسترش نفوذ اسرائیل در منطقه است. ولی باید دانست هر چیزی در مقتضای مکانی و زمانی خاص خویش پرورنده می‌شود.

برای اینکه خواننده در درک این مهم با نگرانده همراه شود در فصل اول تعریفی نو از اتحاد و شرایط تداوم آن ارائه می‌شود. در فصل دوم اطلاعات لازم درباره ناتو به عنوان اتحادی نظامی از پیدایش تا گسترش در اختیار خواننده قرار می‌گیرد و به سازوکارهای گفت‌وگویی و مشارکتی آن برای مقدمه‌سازی ورود به منطقه شرق اسلامی اشاره می‌شود. در فصل سوم بر این نکته تأکید می‌شود که سابقه ورود ناتو به شرق اسلامی (صرف نظر از عضویت

ترکیه در ناتو) به دهه ۱۹۸۰ با طرح مسأله خارج از قلمرو با توجه به تأثیرات ویژگی‌های راهبردی شرق اسلامی در ثروت، قدرت، امنیت و سیاست بین‌المللی بازمی‌گردد. بر همین اساس پس از پایان جنگ سرد، راهکارهایی گوناگون برای ایفای نقش پررنگ‌تر در شرق اسلامی با هدف ناگفته‌نشدن وضعیت امنیت اسرائیل در منطقه به ویژه گفت‌وگوی مدیترانه‌ای در دستور کار ناتو قرار گرفت. تکمیل‌کننده فصل چهارم نکات مطرح در فصل پنجم خواهد بود که ناتو با بهره‌برداری مضاعف از شرایط پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با کوشش پیوسته در ارتقای سطح گفت‌وگوی مدیترانه‌ای و آغاز ابتکار همکاری استابرا با نگارنده به اسرائیل به اوج محدود وابسته می‌شود. با این توضیحات، سناریوی بازباز و دافعه عضویت احتمالی اسرائیل در ناتو در فصل ششم بررسی می‌شود. بی‌شک برای آگاهی از نتیجه کنش و واکنش‌های به وقوع پیوسته از گسترش همکاری تا عضویت احتمالی اسرائیل در ناتو بر جبهه مقاومت، فصل هفتم بخش ۵ در فصل دیگر جذاب‌تر است. در پایان خاطرنشان می‌شود هر چند در رضاع کنونی در پرتو آنچه بالفعل موجود است، در عرصه شرایط میدانی منطقه‌ای از ایران، سوریه، حزب‌الله و حماس به عنوان اعضای جبهه مقاومت در این نوشته یاد می‌شود، ولی در حقیقت تمام ملل شرق اسلامی عضو بالقوه جبهه مقاومت اسلام هستند. هنگامی که این قوه به فعل درآید، اسرائیل از صدر به ذیل در خواهد آمد. در نظر گرفتن این مهم، برداشت خواننده از دریافت نگارنده سازنده می‌شود. علاوه بر این، در پایان، دو سند از اسناد مهم ناتو یکی، راهنمای جامع سیاسی مصوب سال ۲۰۰۶ و دیگری، مفهوم راهبردی مصوب سال ۲۰۱۰ سران اعضای ناتو در بخش ضمایم گنجانده شده است.

در پایان این مبحث خاطر نشان می شود هر نوشته پژوهشی تنها دستاورد نگارنده آن نیست، بلکه مجموعه ای از عوامل در به نتیجه رساندن آن به عنوان مشوق و مکمل نقش مؤثری دارند. بر همین اساس لازم می دانم از پدر، مادر، خواهر و برادران عزیزم سپاسگزاری کنم. از مدیریت محترم مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور به عنوان حامی پژوهش قدردانی می کنم. دقت نظر آقای دکتر جناب کبیر نوری دانشیار محترم دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران در یادآوری برخی کاستی های موجود در این نوشته پژوهشی شایسته حق شناسی است. از کارکنان گنجینه کتابخانه مجلس شورای اسلامی و مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور از جمله: انجم مرضیه روشن روان، حروفچین، و خانم طاهره زارع، ویراستار کتاب تشکر می کنم.

در پایان تأکید می کنم تمام کاستی های موجود در این نوشته از آن راقم این سطور است. با علم به این موضوع در خوانندگان فرهیخته انتظار دارم از ارائه انتقادات خویش دریغ نکنند.